

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

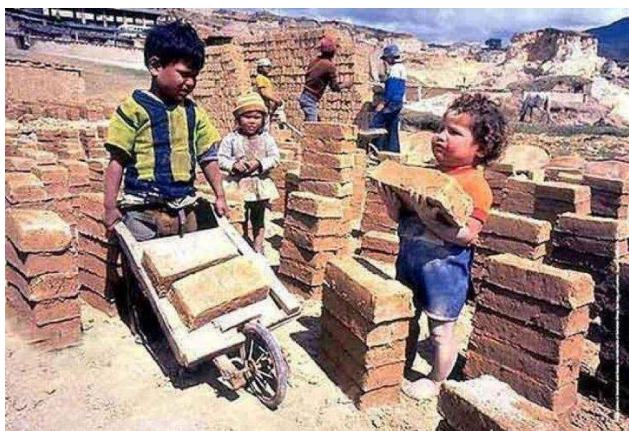
سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل
۳۰ می ۲۰۱۸

"کودک کار" ننگ یک ساختار اقتصادی-اجتماعی

۱

سه شنبه- ۰۸ جوزا ۱۳۹۷ - کابل: در یکی از آمارهای داده شده از طرف منابع بین المللی آمده بود که در افغانستان همین اکنون بیش از یک میلیون و ۹۰۰ هزار "کودک کار" وجود دارد. در کشوری با ۲۸ الی ۳۰ میلیون جمعیت وقتی ۱.۹ میلیون کودک کار در آن وجود داشته باشد بدان معنا است که بیش از ۱۰ درصد باشندگان آن سرزمین کودکی شان از جانب بزرگسالان و ساختار اجتماعی - اقتصادی دزیده شده است. این که از چنین کودکی چه انتظاری می تواند جامعه ای که کودکی اش را سرقت نموده داشته باشد، سوا نیست که با گلوله و کمر بند انتحاری پاسخ یافته است.



هموطنان عزیز!

وقتی از رقم ۱.۹ میلیون کودک کار حرف می زنیم این را باید بدانیم که این رقم می تواند قسمت علنی و رسمی کودکان کار را نشان دهد، نه آن بخش مخفی و غیر رسمی را، که اگر آن را هم بخواهیم به شمار آوریم این رقم به بیش از ۳ الی ۴ میلیون کودک کار بالغ می گردد. به چه معنا: تقریباً اکثریت ما در خانواده های بزرگ تولد یافته و بزرگ شده ایم. خانواده بزرگ بدان معنا که پدر و مادر حداقل با ۴ تا ۶ کودک. اگر در سن و سالی هستید که خود خانواده تشکیل داده اید و زن و بچه و یا شوهر دارید، به زندگانی و

طرز برخورد خانوادگی خودتان از منظری که تشریح می‌گردد دقت کنید، اگر تا هنوز خود خانواده تشکیل نداده اید به گذشته هایتان و به وضعیت فعلی خواهران و برادران تان نظر اندازید.

وقتی یک مادر یکی به دنبال دیگری چوچه می‌آورد و باروری اش از جدیدترین ماشین‌های چوچه‌کشی هم بهتر است، یعنی ظرف ۵ سال اول ازدواج حداقل ۳ کودک به دنیا می‌آورد، برایم بگوئید مسؤلیت کودک اول جهت نگهداری و سرپرستی کودک دوم و مشخصاً سوم از کدام زمان آغاز می‌یابد. مگر من و تو هر دو شاهد نبوده ایم که پدر و مادر از طفل اول خواسته‌اند تا اندکی با خواهر و برادرش، بازی نمایند؟ در شیر دادن مادر را کمک کند؟ گزش را شوربدهد؟ وی را به دهن دروازه کوچه ببرد؟ آیا هیچ یک از ما چه به مثابه والدین و چه به مثابه خواهر و برادر گاهی از خود پرسیده ایم که خود آن کودک برای خودش در همان لحظه چه می‌خواهد و چرا باید ما بزرگسالان مسؤلیت خود را که سرپرستی از کودکیست که به دنیا می‌آوریم، به وی بسپاریم؟ آیا خود ما گاهی شاهد نبوده ایم که وقتی کودکی ۶-۷ ماهه نزد خواهر و یا برادر ۳-۴ ساله خود را زخمی کرده، افتاده، حتا کتیف کرده، پدر و مادر اعم از باسواد و بی‌سواد، کودک ۳-۴ ساله را مورد بازخواست حتا توبیخ قرار داده که "توکجا گم بودی که خواهرت و یا برادرت چنین و یا چنان شد؟"

هموطنان عزیز!

اگر بخواهیم به قضایا صادقانه برخورد نمائیم نه تنها همه شاهد چنین اوضاعی بوده ایم و چه بسا خود نیز به چنین عملی دست یازیده باشیم، کمتر به فکر ما افتاده که اگر شاهد چنین منظر زشتی می‌گردیم به آن پدر، مادر، بزرگسال تذکر دهیم که آن کودک نه شرعاً، نه اخلاقاً و نه ذهناً هیچ نوع مسؤلیتی در قبال نگهداری کودک دیگر ندارد و ما نباید از آن کودک متوقع باشیم در قالب و چوکات یک پرستار کودک عمل نماید در حالی که خودش هنوز کودک است. این همان بخش کار مخفی و غیر رسمی است که در جامعه میلیونها کودک کار تولید می‌نماید، کودکانی که خود نباید بازی کنند زیرا باید از برادر و یا خواهر کوچکتر از خود مراقبت نمایند.

ادامه دارد